کان علی علیه السلام اذا هاله شیء فزع الی الصلاة

هرگاه حضرت علی(ع) از موضوعی نگران و هراسناک می‌شد به نماز پناه می‌برد.

رواق ۲ قدس

نصایح

امام علی(ع): قوام و پابرجایی دین به چهار کس است: عالم زبان‌داری که به علم خود عمل کند، ثروتمندی که مازاد ثروت را میان هم‌کیشان خود پخش کند، فقیری که آخرت به دنیا نفروشد و جاهلی که از تحصیل علم تکبر نورزد؛ پس هرگاه عالم، علم خویش را نشر ندهد، توانگر بخل کند، فقیر آخرت به دنیا فروشد و جاهل از آموختن علم تکبر کند دنیا به عقب برگردد (و جاهلیت از سر گیرد) آن روز به مسجدهای زیاد و اجتماعات مردمی که دل‌هایشان از هم جداست فریب نخورید.

تازه‌های نشر

کتاب «نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری» منتشر شد

«نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری» اثر غلامحسین اعرابی است که در پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه و به همت نشر این پژوهشگاه در ۱۸۲ صفحه منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران(ایبنا)، برخی دانشمندان مسلمان مسئله مرجعیت قرآن را از دیرباز مطرح کرده‌اند، اما از حیث مفهوم‌شناسی بدان پرداخته و حدود و ثغور آن مشخص نشده است؛ در دهه‌های اخیر هم موافقان و مخالفانی به این بحث ورود کرده‌اند، بدون آنکه نقطه مرکزی بحث را به‌درستی برای مخاطبان خود روشن کرده باشند. پژوهش حاضر با نگاه اجمالی به بیانات رهبر معظم انقلاب در این باب، متوجه نکات اساسی در زمینه مرجعیت علمی قرآن است. نکته قابل توجه مؤلف این است که تلقی درست و مفهوم صحیح بیانات معظم‌له درباره مرجعیت علمی قرآن نیاز به تأمل در مقدماتی دارد که تاکنون یا بدان پرداخته نشده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این نوشته در دو بخش سامان یافته؛ بخش نخست این اثر به بیان نگاهی جدید و تولید علوم مبتنی بر مرجعیت علمی قرآن پرداخته و مباحثی همچون فرایند پیدایش علوم اسلامی و خصوصیات زبانی و معارفی قرآن و مبانی مرجعیت علمی قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به منزله درآمدی بر سخنان و بیانات بعدی و خود نگاهی جدید درباره مرجعیت علمی قرآن کریم است که در متن نوشته به صورت کامل توضیح داده شده است.

بخش دوم به بررسی بیانات رهبر معظم انقلاب در باب مسئله مرجعیت علمی قرآن اختصاص یافته است. این بخش بیشتر برگرفته از بیانات ایشان در سال‌های دوره رهبری ایشان است و تلاش شده به صورت نظام‌مند و عنوان‌بندی ارائه شود. در این بخش پس از بیان پیشینه و زمینه جدایی تولید علم از متون دینی، چیستی مرجعیت علمی قرآن و مهجوریت علمی قرآن تبیین و سپس قلمرو مرجعیت علمی قرآن از منظر رهبر معظم انقلاب بررسی و در ادامه نیز راهکارهای تولید علم بر اساس آن در بیانات ایشان تشریح شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «یکی از زمینه‌های مهجوریت علمی قرآن دور ماندن حوزه‌ها و علمای دین از مسائل و علوم روز و نیازهای علمی و در نتیجه تعطیل نظریه‌پردازی از سوی متخصصان دینی در موارد مذکوره است؛ زیرا با عقب‌نشینی حوزه‌ها و علمای دینی، دیگرانی که تخصص و تعهد دینی ندارند جایگزین می‌شوند؛ در این مورد رهبری فرموده‌اند:... نظریه‌پردازی سیاسی و نظریه‌پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه‌پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد... (سخنرانی در دیدار با حوزویان قم، ۱۳۸۹/۷/۲۹)».

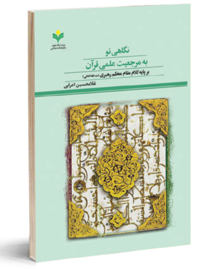

نکته‌ها

آیت‌الله فاطمی نیا

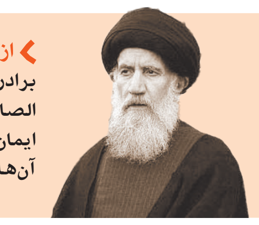

ازدحام تشییع حاج قاسم به کدام آیه قرآن برمی‌گردد؟

برادران و خواهران، به این آیه دقت کنید: «ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا»(مریم، ۹۶) یعنی کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، خداوند رحمان محبت آن‌ها را در دل قرار می‌دهد. من خودم جوانانی را دیدم که حالتشان این‌طور بود کانّه از همه چیزها غافل شده‌اند و بی‌اختیار داشتند برای نماز حاج قاسم می‌رفتند و سرازیر می‌شدند. این همان محبتی است که خداوند در دل‌ها قرار می‌دهد و علامه طباطبایی آن را به عنوان یک قاعده قرآن متذکر می‌شود. به این قاعده، قاعده «جری و تطبیق» می‌گویند یعنی قرآن در جریان است. هر چند مورد نزول این آیه، به گواهی شیعه و اهل سنت، امیرالمؤمنین(ع) است ولی این آیه جریان دارد و به شیعیان ایشان، حاج قاسم و دیگر شهدا نیز می‌رسد. این ازدحامی که برای تشییع حاج قاسم صورت گرفت به همین آیه شریفه برمی‌گردد. یک شخصیت‌هایی در دنیا هستند که حاج قاسم نیز از جمله همان‌ها بود. اگر کسی مالک‌اشتر را بشناسد، باید گفت حاج قاسم دنباله مالک‌اشتر است. از سنخ مالک‌اشتر و عمار یاسر است. آدم‌هایی هستند که خوب هستند، نماز اول وقتشان ترک نمی‌شود اما ۱۰ نفر را نمی‌توانند اداره کنند. اینجاست که ما باید اخبار و احادیث را برای مردم باز کنیم و الا تناقض در ذهن مردم به‌وجود می‌آید. مثلاً می‌گویند هر زمان ۳۱۳ نفر از یاران امام زمان(عج) آماده شوند، ظهور تأخیر نخواهد داشت. این حدیث را باید شکافت وگرنه مگر ما کم شهید داشتیم که عاشقانه رفتند و فدایی امام زمان(عج) شدند. به اشاره امام راحل که نایب امام زمان(عج) بود، بیابان‌ها پر می‌شد. باید این حدیث را که اگر ۳۱۳ نفر یار باشند، امام ظهور می‌کند برای مردم باز کرد. اینجا باید به مردم گفت بحث بر سر این است که امام زمان(عج)، ۳۱۳ مالک‌اشتر می‌خواهد؛ ۳۱۳ حاج قاسم سلیمانی می‌خواهد. حضرت ۳۱۳ محور می‌خواهد. سربسته اشاره می‌کنم، حضرت امیر(ع) می‌فرمایند اگر حضرت حمزه و جعفر بن ابی‌طالب می‌بودند، خیلی از مصیبت‌ها به‌وجود نمی‌آمد. در نظر بگیرید این دو نفر چقدر محور بودند که حضرت چنین تعبیری از آن‌ها می‌کند. بله این شخصیت‌ها محور هستند و حاج قاسم نیز محور بود، یعنی جامعیت‌هایی دارند که دست آخر محور می‌شوند.

بازتاب

مرور نقش مسجد در شکل گیری شخصیت سردار دل‌ها

فرمانده فاتحی که تکیه‌گاهش مسجد بود

مسجد، پاتوق حاج‌قاسم بود و اعتقاد خاصی به آن داشت. زمانی در خیابان ناصریه خانه گرفته و مقید بود هر روز اول صبح از در شرقی مسجد جامع که در همان خیابان بود وارد می‌شد، چارچوب در مسجد را می‌بوسید و می‌گفت: «این کار مایه برکت روز و کار من است».

به گزارش خبرگزاری شبستان، به مناسبت ایام سالگرد شهادت سیدالشهدای جبهه مقاومت، بر نقش مسجد در شکل گیری شخصیت حاج قاسم سلیمانی مروری داریم.

■ نقش مسجد قائم(عج) در شکل گیری شخصیت حاج قاسم

سردار سلیمانی در زندگی‌نامه خودنوشتی که آن را با دست مجروح قلم زده، به بیان خاطراتی از دوران کودکی و نوجوانی‌اش پرداخته و درباره اولین حضور خود در مسجد می‌نویسد: «سال ۵۵ بود، بنا به پیشنهاد احمد، برادرم، پایم به مسجد قائم(عج) باز شد که آقای حقیقی آنجا آموزش قرآن می‌داد. به‌شدت تحت تأثیر صحبت‌های او بودم و آرام آرام روح و تعصب مذهبی در وجودم در حال شکل گرفتن بود».

حضور او در مسجد موجب شد کم‌کم با جنایت‌های طاغوت بیشتر آشنا شود. یکی دیگر از مسجدهای تأثیرگذار در شخصیت دینی و انقلاب سردار دل‌ها، مسجد جامع کرمان بود. سیدالشهدای جریان مقاومت نماز جماعت‌های مسجد جامع کرمان را از دست نمی‌داد و پای ثابت صحبت‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله صالحی، حجت‌الاسلام حقیقی و آیت‌الله روحانی شد. او در واقعه آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان حضور داشت و از دست کولی‌ها کتک خورد. حتی در پایین آوردن مجسمه شاه، یکی از افراد اصلی بود و در حمله به مقر شهربانی یک قبضه کلت رولور غنیمت گرفت که تا زمان شهادتش آن را نگه داشته بود.

■ خاطرات سردار دل‌ها از آتش‌سوزی مسجد کرمان

شهید حاج قاسم سلیمانی در زندگی‌نامه خودنوشت به نام «از چیزی نمی‌ترسیدم» درباره آتش‌سوزی مسجد جامع کرمان نوشت: «صبح، اعلام تجمع در مسجد جامع شهر کرمان شد، آن روزها با محوریت آیت‌الله صالحی این مسجد محور اصلی تحرکات انقلابی‌ها بود. جوان‌ها و تعدادی از علما در شبستان جمع بودند. تازه موتورسیکلت زردرنگ سوزوکی ۱۲۵ خریده بودم، از درِ قدمگاه که بازار کرمان بود وارد شدم و موتور را داخل یکی از کوچه‌های فرعی بازار پارک کردم. داخل مسجد جنب و جوش بود. پس از ساعاتی کولی‌ها از دو درِ شمالی و غربی مسجد با حمایت نیروهای شهربانی و پاسبان‌ها حمله کردند. اول موتور و چرخ‌های پارک شده جلو مسجد را آتش زدند. جوان‌ها فریاد زدند: درها را ببندید، به همراه دو نفر دیگر به پشت‌بام شبستان مسجد رفتم. کولی‌ها و پاسبان‌ها با وحشی‌گری مشغول سوزاندن وسایل مردم بودند، چند موتور را پشت در مسجد آوردند و آتش زدند، از دو طرف گاز اشک‌آور به داخل مسجد شلیک می‌کردند. در که باز شد حمله به شبستان آغاز شد. آیت‌الله صالحی که به دلیل استنشاق گاز از حال رفته بود را از پنجره شبستان به بیرون منتقل کردیم. روحانی‌ای به نام اسدی با حرارت جوان‌ها را تشویق به مقابله می‌کرد. مردم از در غربی در حال فرار بودند، هر کس می‌خواست از در خارج شود زیر چوب و چماق کولی‌ها سر و دستش می‌شکست. در وسط معرکه کودکی را دیدم که وحشت‌زده گریه می‌کرد، ناخودآگاه داد زدم و رو کردم به پاسبانی که به او حمله‌ور شده بود، گفتم ولش کن! آن‌قدر با تندی و شدت این کلام را ادا کردم، احساس کردم لحظه‌ای مردد شد و ترسید. بچه را بغل کردم و از در غربی خارج شدم. به سمت قدمگاه پیچیدم، موتور سالم بود. با احمد سوار شدیم. یک گله پاسبان از جلو ما در آمدند، تا خواستیم از کنار آن‌ها بگذریم ۱۵-۱۰ تا باتوم به سر و صورتمان خورد. پاسبان‌ها ساختمان برادران عقابی که ضد شاه بودند را به آتش زدند. آتش زدن مسجد جامع کرمان در سراسر کشور پیچید و تظاهرات متعددی را منجر شد. ابتکار عمل کاملاً از کنترل نیروهای وابسته به رژیم خارج شده بود. مردم شعار می‌دادند مسجد کرمان را، کتاب قرآن را، مردم مسلمان را، شاه به آتش کشید».

■ سخنرانی معروف در مسجد امام زمان(عج) کرمان

شهید سلیمانی در دوران جنگ نیز در مسجدهای شهر کرمان حاضر می‌شد. او در سخنرانی فراموش‌نشدنی‌اش در مسجد امام کرمان با صدای بلند گریه کرد و در رثای شهید یوسف الهی گفت: «چگونه جمعی بخندد که در آن جمع حسین آقای ما فدا شد؟» قابل ذکر است این مسجد روز ۲۴ مهر ۱۳۵۶ توسط مأموران شاه به آتش کشیده شد. حاج قاسم بارها در دوره دفاع مقدس در این مسجد و سایر مسجدهای کرمان سخنرانی کرد.

■ تلاش برای ساخت مسجد در روستای پدری

یکی از نکات جالب درباره حاج قاسم، نقش وی در ساخت مسجد روستای قنات ملک بود. سردار که کلنگ ساخت این مسجد را بر زمین زد با همت مردم این روستا مسجد اهل‌بیت(ع) را در مدتی کوتاه ساخته و خود لباس خادمی مسجد را بر تن کرد و هر بار که به روستا می‌آمد یکی از برنامه‌هایش دیدار با اهالی روستا در مسجد و رسیدگی به مشکلاتشان بود. جوانان را دور خود جمع می‌کرد و ساعت‌ها با آن‌ها به گفت‌وگو می‌نشست. حاج قاسم وقتی دید روستا مسجد مناسب ندارد خانه قدیمی پدرش را تبدیل به مسجد کرد و برخی از مردم نیز برای توسعه مسجد، خانه خود را وقف کردند، حاجی خانه‌ای دیگر مجاور مسجد را برای پدر و مادرش خرید و با همتش مسجد ساخته شد.

■ وقتی از مسجد می‌گوییم منظور، پیکره مسجد نیست

شهید حاج قاسم سلیمانی در جمع ائمه جماعات مساجد استان تهران در سال ۹۶ و همزمان با روز جهانی مسجد گفت: «همه چیز را مدیون مسجد هستیم، اما وقتی از مسجد می‌گوییم، منظور، پیکره مسجد نیست؛ مدیون فردی هستیم که به عنوان امام جماعت یا امام مسجد شناخته می‌شود. یک زمان نگاه ۳۰۰-۲۵۰ متر محیط مربع داخل مسجد است که همان ۱۵۰ یا ۲۵۰ نفری که می‌آیند و نماز می‌خوانند، شاید حفظ شوند. آقای حجت‌الاسلام! اگر می‌خواهید جامعه را حفظ کنید و همین محدوده داخل مسجد را ارزیابی می‌کنید، اشتباه است و باختید. اگر مسجد، نیروی دست خودش یعنی محیط دور خودش سقوط کند، آن امام جماعت سقوط کرده و خطش شکست خورده است. دشمن وارد خطش شده است، او دیده‌بانی، مراقبت و جاذبه خوبی نداشته، همت خوبی نداشته است. آقای حجت‌الاسلام! این محیط فرهنگی شماست. طول و عرضش ۱۰ کیلومترمربع است، نه این ۲۰۰ مترمربع! باید کار کنید».

سردار سلیمانی در بخش دیگری از سخنانش در جمع ائمه جماعات مساجد گفت: «تربیت مدافع فرهنگی، ایثارگر و فداکار در دولت‌ها و ساختارهای دولتی محقق نمی‌شود بلکه در مسجد محقق می‌شود. ما پیروزی‌مان در جنگ هشت ساله را مدیون مسجد هستیم. البته منظور پیکره مسجد نیست، بلکه منظور، امام جماعت است که امروز رهبر معظم انقلاب در رأس امامان جماعات مساجد حضور دارند».

سیدسجاد جلینی از پروژه جمع آوری روایت‌های مردمی ایام‌الله شهادت حاج قاسم سلیمانی می‌گوید

خاطرات یک تشییع حماسی

صادق ذباح - عکس رضوی

گزیده

ما خاطره زیاد داریم که فردی می‌گفت من حاج قاسم را نمی‌شناختم ولی وقتی خبر شهادت را شنیدم احساس کردم او را خیلی می‌شناسم و شروع به گریه کردم. این رویکردها که در میان مردم بسیار بود باید تبیین می‌شد. از نگاه امتی نیز این موضوع بسیار اهمیت دارد.

فاطمی نژاد-سرادار همین که وارد اتاقش می‌شوم، انبوه تخته شاسی‌های مراسم رونمایی کتاب‌ها و امضاهای جورواجور پای آن که روی دیوار ردیف شده‌اند، توجهم را جلب می‌کند. می‌گوید: «خیلی با خودم کلنجار رفتم که در مورد کتاب‌هایی که در مورد خاطرات مردم از ایام شهادت حاج قاسم کار کرده‌ایم، گفت‌وگو کنم یا نه؟» هنوز کلمه بعدی در دهانش نچرخیده که وسط حرفش می‌پرم و می‌گویم: به قول شهید آوینی «اجر امثال شما در گمنام بودن است و اجر ما خبرنگارها در افشا کردن». بعد از حال و احوال، پیش از آغاز رسمی گفت‌وگو، به رسم مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ناخنکی در خاطراتش در خصوص موضوع بحث می‌زنم. می‌گوید به عنوان مدیر پروژه، دست‌کم ۳۰ هزار خاطره از مردم را با موضوع بازتاب شهادت حاج قاسم در زندگی‌شان خوانده است. از ریزه‌کاری‌های کار که با هم حرف می‌زنیم، می‌فهمم حداقل در این پروژه، خبری از کتاب‌سازی برای حاج قاسم و درج آن در رزومه‌ها نیست.

گفت‌وگو با سیدسجاد جلینی، مدیر پروژه جمع‌آوری خاطرات شفاهی با محوریت بازتاب شهادت حاج قاسم سلیمانی در زندگی مردم ساعتی به طول می‌انجامد؛ مشروحش را می‌توانید در ادامه بخوانید. حاصل تلاش او و همکارانش در واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در چندین جلد چاپ شده و قرار است باقیمانده آن‌ها که درمجموع خاطرات هر یک استان‌های کشور را دربرمی‌گیرد، به‌زودی روانه بازار نشر شود.

■ کمی درباره این پروژه توضیح دهید و اینکه چطور به این رسیدید که سراغ جمع‌آوری خاطرات مردم، آن هم از نقاط مختلف کشور و اقشار و صنوف مختلف بروید؟

علل شکل‌گیری این آثار از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. همیشه در اتفاقات تاریخ، حوادثی که علیه مستکبران و در باب گفتمان انقلاب اسلامی بوده یا سانسور شده یا تقطیع و یا تحریف. رهبر معظم انقلاب بارها گفته‌اند اگر ما روایت نکنیم دشمن آن‌گونه که دوست دارد می‌آید و روایت می‌کند. یک حرکت عظیم در کشور رخ می‌دهد و اگر نخواهد این واقعه روایت شود حتماً از طرف دشمنان تقطیع و سانسور خواهد شد. در مورد واقعه عظیم تشییع حاج قاسم داشت تحریف صورت می‌گرفت و برخی می‌گفتند حادثه خاصی نبوده و برای تشییع برخی دیگر هم آدم آمده است! یا فردی بود که می‌گفت این رویداد همبستگی ملی نیست بلکه انشقاق ملی است و می‌گفت به فضای مجازی نگاه کنید! با همین صحبت‌ها برخی تلاش داشتند به‌اصطلاح جای جلاد و شهید را عوض کنند. بنابراین این ضرورت وجود داشت که بنویسیم تا تاریخ بداند.

یک بعد دیگر موضوع به مردم برمی‌گشت. ما ماجرای مردم را داریم. اگر بخواهیم گفتمان انقلاب اسلامی را مدنظر قرار دهیم شروع حرکت انقلاب اسلامی با مردم بود. در تمام ادبیات امامین انقلاب مردم نقش محوری دارند. مردم هر جا باشند نقش مؤثری در ادبیات سیاسی، هنری، فرهنگی و اقتصادی دارند.

در سال‌های ۸۸ تا ۹۸ گفتمان غرب روی کلیدواژه مردم مانور می‌داد. در سال‌های ۹۶ تا ۹۸ این مانور که مردم همراه نظام نیستند از سوی دشمن بیشتر شد. ولی مردم در سال ۹۸ و در مراسم تشییع حاج قاسم به میدان می‌آیند و نشان می‌دهند وامدار گفتمان انقلاب هستند. برخی می‌گفتند حضور و حمایت مردم دیگر تمام شده اما این اتفاق از دید امتی و ملتی نشان داد انقلاب زنده است. مردم همیشه مهم هستند. اکثریت مردم در این واقعه انتخابی کرده بودند و این انتخاب باید دیده می‌شد.

منظر دیگر تحلیل‌هایی است که می‌شود درباره این اتفاق داشت. رهبری می‌آیند و می‌گویند آن روزی که تمام مردم در کشور ایران و عراق برای تشییع حاج قاسم به خیابان می‌آیند «یوم‌الله» است. ما خاطره زیاد داریم که فردی می‌گفت من حاج قاسم را نمی‌شناختم ولی وقتی خبر شهادت را شنیدم احساس کردم او را خیلی می‌شناسم و شروع به گریه کردم. این رویکردها که در میان مردم بسیار بود باید تبیین می‌شد. از نگاه امتی نیز این موضوع بسیار اهمیت دارد. تا سال ۹۸ جمهوری اسلامی در نوک پیکان حضور در منطقه بود. بعد که این حضور و همبستگی مردمی در مراسم حاج قاسم اتفاق می‌افتد نشان می‌دهد مردم این اقتدار را می‌خواهند و میان مجاز تا واقع خیلی فاصله است. از نگاه ملی نیز ملی‌ترین آدم‌ها در خصوص سردار سخن گفتند و شهید سلیمانی را احیاگر روح هویت ملی می‌دانستند.

ما خیلی موارد داشتیم که افرادی می‌گفتند این واقعه را سیاسی نکنید و تأکید داشتند این مردم صرفاً به خاطر دلشان آمده‌اند. برخی این حضور مردم را به جای وفاق، گسست اجتماعی نمود کرده و در رسانه‌هایشان منتشر می‌کردند. به همه این دلایل اینکه وسعت مردم بازتاب شهادت سردار است باید ثبت می‌شد.

■ در مرحله اجرا و پیاده‌سازی این ایده، چطور کار را برای خودتان تعریف کردید؟

سطح کار در سال اول محدود بود و برای شهر مشهد و کشور موضوع تعریف شد. موضوع آن هم بیشتر حول تربیت بود و کارهایی اتفاق افتاده که تکثیرپذیر باشد. کتاب «سلیمانی‌ها» سه فصل دارد. فصل اول آن بیشتر خانوادگی و تربیتی است. فصل دوم مربوط به تشکل‌هاست و فصل سوم به حوزه بین‌الملل و امت اسلامی مربوط می‌شود. ما تلاش می‌کردیم یک تکثر جغرافیایی، قشری، جنسیتی و سنی را در تهیه آثارمان رعایت کنیم. ابتدا یک پرسش‌نامه با سؤالاتی فکر شده تهیه و میان اقشار مختلف مردم پخش کردیم. سپس از طریق همین پرسش‌نامه‌ها به مواردی رسیدیم و برای گفت‌وگو سراغ آن‌ها رفتیم و در نهایت به چاپ آثار از استان‌های مختلف رسیدیم.

یکی از پرسش‌هایی که در استان‌ها پخش می‌کردیم این بود که از اقوام و اطرافیان شما فردی هست که اسم بچه‌اش را به نیت شهید سلیمانی، قاسم گذاشته باشد؟

بر اساس این پرسش به سوژه و داده‌هایی رسیدیم و خاطراتی گرفتیم که به کتابی منجر شد که در حال آماده‌سازی برای چاپ است. نام این کتاب «پسرم قاسم» و در مورد پدر و مادرهایی است که اسم پسرشان را به نیت حاج قاسم سلیمانی، قاسم گذاشته‌اند. نویسنده این کتاب هم خانم «قربان‌زاده» است. خاطرات این کتاب در سطح کشور گستردگی دارد.

تلاش می‌کردیم اسم کتاب‌هایی که منتشر می‌شد را بر اساس بوم هر استان نام‌گذاری کنیم. برای مثال برای استان گیلان نام کتاب خاطرات مردمی آن استان شد «سردار گیله مردان». عنوان کتاب برای استان آذربایجان غربی «اوخشاما برای قاسم» شد. اوخشاما خوانش عزاداری سنتی مادرانی است که پسر جوان از دست داده‌اند. نام کتاب برای استان چهارمحال بختیاری «پیا یَل» به معنای مرد بزرگ و قهرمان است. در استان لرستان نام کتاب «هیرمان» است. «علمگردانی برای علمدار» عنوان کتابی است که از خاطرات مردمی در استان خراسان شمالی بدست آمد. در سیستان و بلوچستان کتاب «رستم ایرانشهر» و در کرمان «رجعت» نام گرفت.

پروژه دیگر این بود که بر سر مزار حاج قاسم رفتیم و از افرادی که آنجا می‌آمدند خاطره می‌گرفتیم. آدم‌هایی که با تنوع و اقشار مختلف آنجا می‌آمدند سوژه‌های جالبی برای گرفتن خاطرات بودند. بعضی از آن‌ها اصلاً با مفهوم حجاب آشنا نبودند و دلداده حاج قاسم بودند. نام این کتاب «بر مدار مزار» شد که به زودی چاپ می‌شود. کارهایی نیز در زمینه هنرمندان و خبرنگاران انجام دادیم و مصاحبه‌هایی از این افراد گرفتیم.

قصه تشییع حاج قاسم ظرفیت‌های بی‌شماری برای انعکاس دارد. تفاوت ما با سایر مجموعه‌ها این بوده که در دو سه سال گذشته آثار بسیاری در مورد حاج قاسم چاپ شده که این کتاب‌ها خاطرات حاج قاسم هستند اما حجم عظیمی هم از طرف مجموعه ما با سوژه مردم و حاج قاسم اتفاق افتاد.

■ در گپ و گفت پیش از آغاز گفت‌وگو از مطالعه بیش از ۳۰ هزار خاطره مردمی در این خصوص گفتید؛ کدام خاطرات برای خودتان جذاب‌تر بود؟

ماجرای شهادت حاج قاسم برای برخی سبب شده بود در سبک زندگی‌شان تغییراتی ایجاد شود. در برنامه‌ای در یکی از استان‌ها حاج قاسم سخنران بوده و خانم و آقایی هر کدام در بخش خود مسئول اجرایی آن همایش بودند و این برنامه موجب آشنایی و ازدواج آن‌ها شده بود. دست روزگار به صورتی گشت که این دو نفر که عامل ازدواجشان حاج قاسم بود می‌خواستند از هم جدا شوند. این دو نفر وقتی پرسش‌نامه ما به دستشان رسید به خود آمدند که عامل ازدواج ما شهید سلیمانی بوده و همین موضوع سبب شده بود دوباره به زندگی مشترک برگردند. در استانی دیگر زوجی با یک بچه در آستانه جدایی بودند و خاطره‌گویی از حاج قاسم سبب شده بود دوباره به زندگی‌شان برگردند.

■ اهمیت خود «تاریخ شفاهی» در بازگویی خاطرات مردمی در مورد حاج قاسم چیست؟

یک باب تاریخ شفاهی بازگویی دوباره خاطرات و هویت‌یابی است. برای مثال فراموش نشدن این موضوع که ماجرای ما با آمریکا چیست و چرا آن‌قدر با آمریکا پدرکشتگی داریم. همین تاریخ شفاهی خود سبب می‌شود علت این موضوعات را از یاد نبریم.

شاید این موضوع برای برخی نامفهوم باشد اما یک عده می‌گویند ما برای سردار نذر می‌کنیم و حاجت می‌گیریم. در خاطراتی که از مزار حاج قاسم گرفتیم این موضوع کم نبوده است.

در مورد واقعه سالگرد شهادت حاج قاسم بحث‌های مختلفی وجود داشت. یکی از آن‌ها وجود تصوری بود که ماجرای شهادت به یک‌سری اتفاق‌ها و حرف‌ها عینیت بخشید. برای همین است که رهبر معظم انقلاب می‌گویند من در برابر روح بزرگ حاج قاسم سر تعظیم فرود می‌آورم. خون حاج قاسم سبب شد اموری احیا شود. برای برخی استادان دانشگاه مفهوم امت اسلامی نامأنوس بود. مثلاً زدن عین‌الاسد برای عده‌ای عجیب بود و تا پیش از آن فکر می‌کردند ایران در موضوع دشمنی با آمریکا لاف می‌زند اما این موضوع نشان داد ایران در این قبیل وقایع جدی است.

ماجرای حمله ما به پایگاه آمریکایی توسط عده‌ای در هیاهو و اتفاقات دیگر گم شد. خود این حمله موشکی اتفاقی بزرگ بود چرا که هیچ کشوری به این شکل با آمریکا درگیر نشده بود و این رویارویی نقطه عطفی در تاریخ محسوب می‌شد.

افرادی از خارج از مرزهای ایران شاید این موضوع را دقیق‌تر می‌فهمیدند که ایستادن در برابر هیمنه ظاهری آمریکا کار شجاعانه و بزرگی است. البته که در روایت این ماجرا قصوراتی از سوی ما نیز بوده است. خون حاج قاسم برای خیلی از افراد احیاگر بسیاری از روحیات و دمیدن هوایی تازه در گفتمان انقلاب بود.

نَقل خاطره

روایت‌های مردمی از ایام شهادت سردار سلیمانی

خونی که همه ما را به یکدیگر پیوند داد

فاطمی نژاد در حاشیه دیداری که چند روز پیش، در آستانه سومین سالگرد شهادت حاج قاسم، خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت سردار سلیمانی با آیت‌الله خامنه‌ای داشتند، رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه تولیدات فرهنگی درباره این شهید بازدیدی داشتند. در میان تصاویر منتشر شده از این بازدید، چندین عنوان کتاب که با محوریت خاطرات مردمی از ایام شهادت و تشییع حاج قاسم منتشر شده بود نیز به چشم می‌خورد.

هر چند گزارشی از کم و کیف و احیاناً اظهار نظر رهبر معظم انقلاب در خصوص این کتاب‌ها و نمایشگاه منتشر نشده، اما در همین دیدار، ایشان به‌صراحت به اهمیت این جنس تولیدات، اشاره می‌کنند و می‌گویند: «تلویزیون نشان می‌داد مزار شهدای کرمان را و حول و حوش مزار شهید سلیمانی را، خب جمعیت زیادی بودند. این جمعیت بالاخره هستند، اما تاکِی هستند؟ تا چند سال دیگر؟ این را نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم اما می‌توانیم کاری بکنیم که این تضمین بشود؛ چه جوری؟ زنده نگه داشتن خصوصیات شخصی و جمعی شهید سلیمانی از طرق مختلف و عمدتاً طرق هنری. این [جور] است. حالا شما گفتید، این خانم [هم] گفتند که کتاب‌هایی برای سطوح مختلف [پیش‌بینی شده]، خب خوب است، اما کتاب یک جزء کار است؛ مستندسازی، فیلم‌سازی، سریال‌سازی، خاطره‌گویی، این‌ها خیلی مهم است، این‌ها خیلی تأثیر می‌گذارد».

«سیل و سردار»، «پیا یَل»، «رستم ایرانشهر»، «چمری برای پهلوان»، «یک بغض و هزاران مشت»، «هیرمان»، «سردار گیله‌مردان»، «شروه‌ای برای حبیب»، «بر شانه‌های کارون»، «سردار سربدارها»، «حافظ دل‌ها»، «یزله بر دجله»، «سلیمانی‌ها» و «ابرقدرت خداست» عناوین کتاب‌هایی از همین جنس هستند که تاکنون درباره خاطرات و روایت‌های مردمی از ایام شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی توسط انتشارات «راه‌یار» منتشر شده‌اند که ما به بهانه ایام‌الله تشییع حاج‌قاسم، روایت‌های مردم را به نقل از این کتاب‌ها می‌آوریم.

■ مهرم را حلال کردم تا بروم

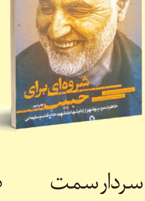

در کتاب «شروه‌ای برای حبیب» خاطره‌ای از اعظم بندرگاهی از اهالی روستای بندرگاه شهرستان بوشهر این‌گونه نقل شده است: پس از نماز مغرب و عشا، توی بلندگو اعلام کردند: «فردا ماشین کرایه می‌کنیم و برای تشییع سردار سمت کرمان می‌رویم. هرکس راهی است، ثبت‌نام کند. البته فقط آقایان را می‌بریم». صدای حاج علی بود. همیشه برای مشهد و جمکران کاروان راه می‌انداخت و زن و مرد را می‌برد. این دفعه اما اعلام کرد: «فقط آقایان!» بغض گلویم را گرفت. چند روزِ گذشته پای تلویزیون بودم و تشییع سردار در کربلا، نجف، اهواز، مشهد، تهران و قم را نگاه می‌کردم. اشک می‌ریختم و آرزو می‌کردم کاش من هم آنجا بودم. با عجله خودم را به خانه رساندم.

به همسرم گفتم: «برادرت می‌خواهد برای تشییع حاج قاسم کاروان ببرد. زنگ بزن به حاج علی و راضی‌اش کن من را هم ببرد. مِهرم را حلالت می‌کنم، فقط همین یک کار را برایم انجام بده». فکر نمی‌کردم قبول کند، چون هوا خیلی سرد بود، شهرهای دیگر هم خیلی شلوغ شده بودند، حتماً کرمان از آنجا هم شلوغ‌تر می‌شد. برای همین حرفی گفتم که ردخور نداشته باشد. وقتی گفتم مهرم را حلال می‌کنم، فهمید چقدر برایم مهم است در تشییع حضور داشته باشم.

گفت: «اشکالی ندارد. اگر تو را می‌برند، برو».

گفتم: «پس خودت با حاج علی صحبت کن». گوشی را برداشت و زنگ زد. ایشان هم قبول کرد. تا فردا ظهر، موقع حرکت، ۶ نفر خانم شده بودیم. همه سوار مینی‌بوس شدیم. در طول مسیر، سید باقر، مداح مسجد و حسینه‌مان نوحه می‌خواند و ما سینه می‌زدیم و عزاداری می‌کردیم. اما داغ دلمان کم نمی‌شد و همچنان در فراق حاج قاسم می‌سوختیم....

■ شیعه و سنی به هم پیوستیم

زهرا مرحمتی، از اهالی ایرانشهر آن روزها را در کتاب «رستم ایرانشهر» این‌گونه روایت کرده است: پس از نمازجمعه، مرد و زن از مصلی بیرون رفتیم. شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» سَر می‌دادیم. تا فلکه مصلی پیاده رفتیم. همشهری‌های اهل سُنت هم از مصلای خودشان به‌سمت فلکه حرکت کردند. وقتی به فلکه رسیدیم، دو گروه، یکی شدیم. همه با هم شعار می‌دادیم. فارس و بلوچ، شیعه و سنی. از یک طرف صدای مرگ بر آمریکای نمازگزاران سنی بلند بود، از یک طرف مرگ بر آمریکای نمازگزاران شیعه. جمعه‌های قبل، شیعه و سنی، هرکدام در مسجدهای خودمان نمازجمعه را اقامه می‌کردیم و سراغ زندگی‌هایمان می‌رفتیم. آن روز بعد از نماز، هر دو گروه از مصلی‌هایمان حرکت کردیم و به هم پیوستیم. یکصدا شدیم و علیه آمریکا، قاتل حاج‌قاسم، شعار دادیم.

همه داغدارِ مرد بزرگی بودیم که مایه افتخار و عزتمان بود. سرداری که امنیتمان را مدیون او بودیم.

همه‌چیز آن راهپیمایی با گذشته فرق داشت. قبلاً اگر ماشین پخش صوت، شعاری را اعلام می‌کرد، جمعیت با صدای یکنواخت و کمی بلند، شعار را تکرار می‌کردند، اما آن روز، همه خشمگین بودند و شعارها را با فریاد تکرار می‌کردند. من هم آن‌قدر با صدای بلند شعار دادم و فریاد زدم که صدایم گرفت. نمی‌توانستم ساکت باشم یا آرام شعار بدهم. با تمام وجودم فریاد می‌زدم: «مرگ بر آمریکا».

■ همسایه

در کتاب «سردار گیله مردان» نیز روایت فاطمه پورغلامرضا از اهالی بندر انزلی حاوی نکات جالبی است: در طول چند سالی که همسایه بودیم، اصلاً فکرش را نمی‌کردم در چنین موقعیت‌هایی، پای کار باشند. وقتی من و همسرم آماده می‌شدیم که به مصلی برویم، دم در آپارتمان، همسایه‌های به‌ظاهر غیرمذهبی‌مان را دیدیم. در دستشان عکس سردار بود و از چهره‌شان غم می‌بارید. بچه‌هایشان همراهشان بودند و عکس سردار و رهبری در دست آن‌ها هم بود. از عکس‌ها فهمیدم به مراسم سردار که در مصلی برگزار می‌شد، می‌روند. ماشینمان جا داشت. دوسه نفرشان را تا مصلی رساندیم و بعد از مراسم با هم به خانه برگشتیم. در مسیر قرار گذاشتیم غروب پنجشنبه به‌نیت حاج‌قاسم جمع شویم و حلوای نذری بپزیم.

همسایه‌ها یکی‌یکی از راه رسیدند و جمعمان، جمع شد. در دست یکی گلاب بود. یکی‌شان شکر آورده بود و دیگری آرد. با هم شروع کردیم به تفت‌دادن آرد و آماده‌کردن شربت. بعد حلواها را در چندتا زیردستی ریختیم و نشستیم به تزئین‌کردن. دست آخر هم درِ تک‌تک واحدها را زدیم و حلواهای نذری را بین بقیه همسایه‌ها پخش کردیم. وقتی می‌گفتیم خیرات حاج‌قاسم است، تشکر می‌کردند و می‌گفتند کاش به ما هم گفته بودید تا در این نذری کمک می‌کردیم و شریک می‌شدیم. همان جا یکی از همسایه‌ها پیشنهاد کرد با کمک هم، چندتا دیس میوه آماده کنیم و برای خیرات سردار ببریم به گلزار شهدا. با موافقت همه، هرکدام از همسایه‌ها یک نوع میوه آوردند؛ یکی سیب آورد، یکی خیار و یکی پرتقال... میوه‌ها را که قاتیِ هم کردیم، ۷-۶ تا دیس بزرگ شد. بعد هم شال‌وکلاه کردیم و با همسایه‌ها نذری‌ها را بردیم به گلزار شهدا و بین مردم پخش کردیم.

فضای گلزار پُر بود از زن و مرد و پیر و جوان که وقتی میوه‌ها را می‌گرفتیم طرفشان و می‌گفتیم خیرات سردار است، بغض می‌کردند و فاتحه می‌فرستادند. چندنفری هم خودشان برای سردار نذری آورده بودند و بین جمعیت پخش می‌کردند؛ درست مثل ما همسایه‌ها.

اتخذوا عند الفقراء ایادی فإن لهم دولة یوم القیامة

با نیکی و کمک به نیازمندان نزد آنان جایگاهی برای خود بیابید که آنان روز قیامت مقام و منزلتی دارند.

رواق ۳ قدس

گنجینه آسمانی

اگر سلاح مؤمن در جهاد اصغر تیغ دو دم است و تیر و تفنگ؛ سلاح او در جهاد اکبر اشک و آه و ناله به درگاه خداست و اگر راستش را بخواهی، آن قدرتی که پشت شیطان را می‌شکند و آمریکا را از ذروه دروغین قدرت به زیر می‌کشد این گریه‌هاست. گریه تجلی آن اشتیاق بی‌انتهایی است که روح را به دیار جاودانگی و لقای خداوند پیوند می‌دهد و اشک، آب رحمتی است که همه تیرگی‌ها را از سینه می‌شوید و دل را به عین صفا که فطرت توحیدی عالم باشد، اتصال می‌بخشد.

آگهی تحدید حدود اختصاصی حوزه ثبتی شهرستان بشرویه

پیرو آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی منتشره و به موجب ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور و ماده ۱۴ قانون ثبت املاک تحدید حدود اختصاصی شماره زیر:

پلاک یک فرعی مجزی شده از ۱۵۳-اصلی روستای حسین آباد نیگنان واقع در بخش ۳ بشرویه شرکت گاز خراسان

توارنه ئی متولد ۱۳۰۵،۷،۹ به ش ملی ۰۷۴۸۹۶۴۶۳۰ پدر متوفی ۱۰.علیرضا کمالی توارنه ئی متولد ۱۳۷۵،۶،۲۵ به ش ملی ۰۷۴۰۳۵۸۸۲۰ فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضیدارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و

ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۴۲۶۳ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در